

رضابهرامی؛ کارگردان نمایش «کریملوژی» در گفت‌وگو با «صبا»:

## تئاتر تخصصی است

دلزام صادقی

گفت‌وگو

«کریملوژی» نمایشی درباره «کریم شیرهای» است که از ۱۰ شهریور در تئاتر شهر به اجرا رفته است. این نمایش در سبک موتولوگ است و کارگردانی آن را رضابهرامی بر عهده دارد. نمایشنامه این نمایش را مهبران رنجبر به رشته تحریر درآورده است و مجید رحمتی به ایفای نقش کاراکتر «کریم شیرهای» می‌پردازد. در این شماره از «صبا» گفت‌وگویی با رضابهرامی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

تمایش «کریملوژی» زندگی شخصیت «کریم شیرهای» را در زمان ناصرالدین شاه روایت می‌کند، در این تمایش چقدر از ویژگی‌های واقعی یا تاریخی و چقدر از خیالات کمک گرفتید و آن را برای اجرا آماده کردید؟

«کریملوژی» قصه «کریم شیرهای» دلچسپ ناصرالدین شاه است. زمانی که او (کریم شیرهای) قوت کرد ناصرالدین شاه سه روز عزای عمومی اعلام کرد زیرا برای او شخصیت عزیزی بوده است و متأسفانه هیچ نشان و قبری از او وجود ندارد؛ تا اینکه جای داستان عینیت بوده و بقیه قصه از ذهنیت من، نویسنده و گروه اجرایی برآمده است. ما هنرمندان بسیاری داشتیم که در ایران کار می‌کردند اما متأسفانه بنا بر شرایط و سیاست‌های غلط، هیچ نشانی از آن‌ها نیست و اگر اثری هم از آن‌ها وجود داشته باشد بعد از صد سال فراموش شده‌اند مانند: سعدی افسار، محسن افسار و امثالهم که از بین رفته‌اند.

مهران رنجبر که نویسنده‌ی این تمایش را بر عهده دارد، در چند سال اخیر تمایش‌هایی را به صحنه برده که پرتره بوده‌اند، «کریملوژی» را می‌توانیم یک پرتره تمایشی و تاریخی بدانیم؟ «کریملوژی» یک پرتره تمایشی ایرانی است که مهران رنجبر نگاشته و ما توانستیم آن را اجرا کنیم.

این روزها، بسیاری از کارگردانان تئاتر به سراغ تمایشنامه‌های خارجی می‌روند و یا یازتویسی و دراماتورژی سعی می‌کنند آن را برای مخاطب ایرانی آماده کنند، چطور شد که تصمیم گرفتید یک شخصیت و قصه ایرانی را برای پر داختن انتخاب کنید؟

هویت من ایرانی است. در ابتدا باید از خودم شناخت پیدا کنم و بعد دیگران را بشناسم؛ این موضوع مانند مقوله فلسفه خودشناسی و خداشناسی هست که می‌گوید اول باید خودت و بعد خدا را بشناسی. می‌دانیم که تئاتر مقوله وارداتی است و این را پذیرفتیم، اکنون باید به خودمان و کشورمان رجوع کنیم. ما هزاران مشکل در جامعه خودمان داریم اما به سراغ متن‌های خارجی می‌رویم که دغدغه جامعه ایرانی نیست. تئاتر رسالتی دارد، پس این چه رسالتی است که همسایه‌مان با شکم خالی شب را به صبح می‌رساند، آن وقت تمایشنامه یک نویسنده غیرایرانی را انتخاب می‌کنیم که کلامش، طنزی که در آن به کار رفته و... برای ما نیست. آسپیی که تمایشنامه‌های خارجی اکنون به ما می‌زنند این است که زبان و فرهنگ ما را از بین می‌برند. اگر در قلم‌های ایرانی تیز دقت کنیم متوجه می‌شویم که چقدر تفاوت پیدا کرده است. ما چنین مدل‌های بازیگری، کارگردانی و... نداشتیم. ما دارای پیشینه‌ای هستیم. اگر از پیشینه خودمان وام بگیریم، معضلاتی به وجود می‌آورد که اکنون قابل مشاهده است. خیلی از کسانی که در تئاتر دنیا مطرح هستند درباره «مرشد ولی‌الله ترابی» مطالعه می‌کنند اما ما همه این افراد را کنار گذاشته‌ایم، به سراغ تمایشنامه‌ای رفته‌ایم که برای مثال بازیگر به دیوار می‌خدد، این مال فرهنگ آنان است و مال ما نیست. امروزه باید سر چهارراه برویم و درباره کودکان کار مطالعه کنیم. باید به آسیب‌های سیاست غلط مدیریتی بپردازیم. این موضوعات مال جامعه ماست. این موارد، تئاتر ملی ما را تشکیل می‌دهند، همان‌طور که آقای جواتمرد، عباس تعلیدیان، غلامحسین ساعدی، استاد محمد و... در رابطه با آن صحبت می‌کنند و می‌توانند.

«کریملوژی» تمایشی موتولوگ و تک‌بازیگر است و می‌دانیم که تمایش‌هایی که به صورت تک‌گویی هستند سختی‌های بیشتری برای بازیگر و کارگردان دارند زیرا در طول تمایش تمام حواس مخاطب به تنها بازیگر روی صحنه است. فکر می‌کنیم «کریملوژی» تنها کار موتولوگ در کارنامه کاری شماست. برای

ما از حساسیت‌های تجربه در این حوزه تمایشی بگویند.

بله؛ «کریملوژی» اولین کار من به صورت موتولوگ و تک‌بازیگر است، در تمایش قبلی‌ام «بیست‌متری جوادیه» چهار بازیگر داشتیم که تک‌گویی می‌کردند و روایت خودشان را در صحنه داشتند. برخلاف خیلی از اساتیدی که در شاخه تمایشنامه‌نویسی، تمایش موتولوگ را غلط و غیردرام می‌دانند، از نظر من موتولوگ یک درام امروزی است؛ زیرا انسان‌ها امروزه واگویی‌های درونی خودشان را دارند و به همین دلیل است که آدم‌ها یا یکدیگر هم کلام نمی‌شوند. اگر هم دیالوگی برقرار می‌شود، نمی‌توانند حرف هم را بفهمند و درک کنند در نتیجه این موضوع باعث شده آدم‌ها یا تلفن همراهاتس بگیرند. این موضوع‌های برای من حائز اهمیت بود تا ما را اودا را به ساخت چنین کاری کرد. موتولوگ داستان می‌تواند برای مخاطب یک درگیری درونی به وجود بیاورد و هر تماشاگری که تلنگر را احساس کرد، خوشایه سعادت من و اگر این اتفاق در تماشاگر تیفنات، تقصیر من است که نتوانستم اتم ارتباط برقرار کنم. موتولوگ یک درام امروزی است و کار کردن در این زمینه، تیز به روان‌شناسی خاصی دارد. مهم‌ترین ویژگی که به من برای تمایش وام می‌دهد تمایش ایرانی مانند پرده‌خوانی، تقالی و... است. هنگامی که همه این‌ها را رصد کنیم، متوجه می‌شویم که در تمایش‌های ایرانی و یا گونه‌هایی از آن، یک نفر چندین کار را هم‌زمان انجام می‌دهد و مخاطب هم می‌پذیرد که هنرپیشه در یک لحظه رستم و لحظه دیگر سهراب و... است.

«کریملوژی» در ابتدا در سالن سایه تئاتر شهر اجرا داشت اما پس از مدتی در سالن قشقایی تمایش را به صحنه بردید؛ دلیل این تغییر سالن برای تمایش چه بوده است؟

از ابتدا قرار بر این بود در سالن قشقایی اجرا کنیم اما با تمایش آقای محمد علقیتی هم‌زمان شد و بحث دکورشان در سالن مطرح بود. آقای اسدی دستور دادند که در حال حاضر، سالن قشقایی تک‌اجرای باشد و ما را به سالن سایه منتقل کردند که متأسفانه قرار بود تنها ۱۱ اجرا داشته باشیم اما به ۱۶ اجرا در سالن سایه رسیدیم. زمانی که در سالن سایه اجرا داشتیم، مسئولان یازخوردهای خوب را از طرف مردم دیدند و ما را به سالن قشقایی منتقل کردند.

باتوجه به این که به روزهای پایانی تمایش «کریملوژی» نزدیک می‌شویم؛ چه یازخوردهایی در این مدت از تماشاگر هادریاقت کردید؟ قصد دارید تمایش را تمدید کنید؟

از لحاظ تمدید تمایش، بعید می‌دانم؛ شاید سعی کنیم در سالن دیگری تمایش را به اجرا ببریم. شرایط به قدری بد است که اجرای مجدد مشخص نیست. در رابطه با نظرها، برخی از دوستان انتقادی که به تمایش دارند رای می‌گویند. نقد بسیار مهم است. متأسفانه چند سالی است در حوزه تئاتر ما، نقد تمام شده است و اگر کسی نقدی را می‌نویسد، صرفاً فحشتی است و همه چیز به سمعت پار معیت می‌رود؛ نقد پار معیت و منفی دارد. کمی دلخوری از برخی دوستانی که در سایت تیوال نظرهایشان را بیان می‌کنند، دارم به دلیل این که برای مثال پنجاه تمایش تماشا کرده‌اند، خودشان را علمدار و صاحب تئاتر جامعه ایرانی می‌دانند. متأسفانه آن‌ها از روی تنگ‌نظری و حسادت پشت سرم حرف‌هایی می‌زنند که برای من خنده‌دار است؛ من او را ندیده‌ام، اما او در سایت از تمام آثار من نام برده و ذکر کرده که تمایش «کریملوژی» را ببینید چون من کارگردان قبلی‌یستم و دلیل نمی‌آورند که چرا می‌گوییم رضا بهرامی کارگردان قبلی‌یست. عوامل تیوال سایتی را راه‌اندازی می‌کنند تا مردم بتوانند به راحتی کالای فرهنگی‌شان را تهیه کنند اما تعدادی از اعضا که گمنام هستند متأسفانه از این قضا سوءاستفاده می‌کنند. کار من تئاتر است پس طبیعتاً کار یک پزشک را انجام نمی‌دهم، تئاتر هم همین است؛ تخصص است. گاهی اوقات نظرهایی هستند که کارایی دارند اما برخی آدم‌ها از یخل و حسادت برای مثال می‌گویند به تماشا تمایش رضا بهرامی تروید. باید قبول کنیم که دیدن تئاتر به اصطلاح هندوانه در بسته است، قبل از تماشا آن نمی‌دانیم خوب یا بد است اما نقدی که پس از دیدن تمایش داریم باید علمی باشد.

سخن پایانی؟

دغدغه جامعه ما باید به صورت شفاف به دست هنرمند ایرانی دیده شود و به روی صحنه برود. ما تیز به دغدغه‌های فرهنگی نداریم. زمانی که می‌گوییم تئاتر ایرانی؛ اولین چیزی که به ذهن مردم خطور می‌کند تعزیه و خیمه‌شهبازی است اما این‌ها فقط بخشی از تمایش‌هایی ایرانی هستند.

